

نگاهی به حقوق جنسی زوج به عنوان عامل تحقق صلح پژوهی از نظر فقهی

ساجده العبدلخانی^۱

چکیده

صلح در جهان به شرایطی آرام، بی دغدغه و خالی از تشویش، کشمکش و ستیز گفته می‌شود. صلح، آرامی جهانی است و مفهومی مطلق نیست و می‌تواند بسته به دیدگاه دینی و فرهنگی جامعه تعریف متفاوتی داشته باشد. یکی از مؤثرترین نهادها برای رسیدن به صلح و آرامش در جهان، نهاد خانواده است. از این رو در اسلام به امر ازدواج تأکید شده و تشکیل خانواده و تأمین نیازهای جنسی از مهمترین عناصر ایجادکننده صلح و آرامش در خانواده مطرح شده است و حقوق جنسی زوج از این نیاز نشأت می‌گیرد. تأکید اسلام به حقوق جنسی زوج به این دلیل است که اگر غرایز شهوانی بین زوجین ارضا نشود زوجین برای تأمین نیازهای خود دچار انحراف جنسی شده و نیازهای خود را از راه‌های نامشروع تأمین می‌کنند. این امر موجب از بین رفتن آرامش در نهاد خانواده و ناآرامی می‌شود. نوشتار حاضر با تبیین راهکار فقهی در انحصار تأمین نیازهای جنسی بین زوجین، گام مهمی برای ایجاد صلح و آرامش در جامعه برمی‌دارد.

واژگان کلیدی: صلح، آمیزش جنسی، امیال شهوانی، حق جنسی، زوج، فقه.

۱. مقدمه

صلح در لغت به معنای آشتی کردن، دوستی و سازش است. صلح مفهومی انتزاعی است و در شرایطی که فرد با خودش یا با افراد دیگر در حالتی از دوستی و آشتی باشد به کار می‌رود. صلح در معنای وسیع‌تر می‌تواند نشان‌دهنده کیفیت رابطه دو یا چند گروه و حتی جامعه باشد. بنابراین، صلح را می‌توان

^۱ دانش‌پژوه مقطع سطح چهار فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی ص العالمیه، قم، ایران.

ازمنظر درون فردی، بین فردی یا اجتماعی و بین‌المللی بررسی کرد. صلح رابطه مستقیمی با آرامش و امنیت دارد. زن و شوهر، دو رکن اصلی خانواده در بستر زندگی مشترک می‌توانند استعداد‌های الهی خود را رشد داده و به آرامش درونی دست یابند. آرامش انسان در برطرف کردن نیازهای اوست. یکی از نیازها که باعث خشونت در جامعه و خانواده می‌شود نیاز جنسی است. اسلام برای بهینه‌سازی نظام گرایش، کنترل گرایش را انتخاب کرده و با مخالفت صد درصد با گرایش و رهبانیت مخالف است و آن را خلاف خلقت انسان می‌داند. پاسخ‌گویی به گزینه جنسی در اسلام، منحصر به ازدواج و ارتباط جنسی زوجین بوده و این امر در آرامش خانواده و جامعه مؤثر است.

خداوند در آیه ۲۱ سوره روم، هدف ازدواج را سکونت و آرامش قرار داده و می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ [و از جمله آیات و نشانه‌های خدا این است که او برای شما همسرانی از خودتان بیافرید تا در کنارشان آرام‌گیرید و میانتان محبت، مودت و دوستی قرار داد و در این کار، آیات و نشانه‌هایی از خداوند هست برای قومی که بیندیشند]». با تعبیر پرمعنی «لتسكنوا» مسائل بسیاری بیان می‌شود. نظیر این تعبیر را در آیه ۱۸۹ سوره اعراف نیز می‌توان دید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا؛ اوست خدایی که شما را از یک انسان بیافرید و همسرش را نیز از (جنس) او قرار داد تا در کنار وی بیارامد». وجود همسران با این ویژگی‌ها برای انسان‌ها مایه آرامش زندگی است و یکی از مواهب بزرگ الهی محسوب می‌شود. این هدف بدون زندگی مشترک حاصل نمی‌شود. بستر خانواده، بستر انس خاصی نسبت به یکدیگر است که زن و شوهر همراه با ایثار فراهم می‌کنند.

اسلام تمکین را از وظایف مهم زوجه معرفی کرده و زن را ملزم به حسن معاشرت با شوهر خود می‌کند. اگرچه تمکین، تنها وظیفه و تکلیف زن نیست بلکه وظیفه‌ای مشترک بین زن و مرد است که به رفع نیاز زوج به طور مستقیم و رفع نیاز زوجه به طور غیرمستقیم اشاره دارد، ولی از آنجا که نقش زن در این مورد بیشتر از مرد است تمکین زن مورد تأکید قرار گرفته و از وظایف زوجه و حقوق شوهر محسوب می‌شود. عدم پاسخ‌گویی صحیح به این نیاز طبیعی آثار مخربی به دنبال دارد. در روایات، توصیه‌های فراوانی نسبت به تمکین و تأمین نیاز جنسی زوج توسط زوجه شده و اجر و ثواب زیادی برای این عمل

آمده است. از دیدگاه فقهی، زنی که بدون دلیل موجه از تمکین خودداری کند، ناشزه یعنی، نافرمان و خاطی نامیده می‌شود و در این صورت علاوه بر اینکه مرد از دادن نفقه معاف خواهد بود، می‌تواند تقاضای طلاق زن را نیز از دادگاه بخواهد و می‌تواند تجدید فراش (زن دیگر اختیار کند) کند. تأکید به زنان از طرف اسلام به این دلیل است که اگر غرایز شهوانی در محیط شخصی و سالم خانواده ارضا نشود و زوج نتواند امیال و هیجان‌های جنسی خود را با همسرش پاسخ دهد دنبال کسی و یا شرایطی در خارج از خانه می‌رود تا این هیجان‌ها را تخلیه کند. بنابراین، این امر سبب هرج و مرج، خشونت، انحطاط فکری، فساد و تباهی در جامعه شده و به تبع آن، موجب اختلال در صلح و آرامش جامعه می‌شود. عدم ارضای نیازهای جنسی زوج در خانه، عامل اختلاف زن و شوهر شده که بالطمه به روابط زن و شوهر، زوج را دچار عصبانیت و دل‌سردی نسبت به همسر و زندگی مشترک می‌کند و به تدریج موجب بروز رفتارهای پر خاشگرانه و خشونت و در نهایت افسردگی شده و در برخی موارد سبب خیانت زوج به زوجه در محیط خارج از منزل می‌شود که این امر، تباهی و سلب آرامش در خانواده و جامعه را به دنبال دارد. اگر زن دلیل قانع‌کننده‌ای برای عدم تمکین نداشته باشد و مرد به گناه بیفتد در گناه مرد تاحدی شریک و مقصر است. اسلام در راستای حقوق جنسی، آداب، مستحبات و مکروهات را نیز بیان کرده است. در نوشتار حاضر پس از بررسی مفهوم صلح، اهداف ازدواج و تعریف تمکین، شرایط و حدود تمکین، رابطه و تأثیر تمکین در تحکیم خانواده و ایجاد آرامش و صلح بیان می‌شود.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. صلح در لغت

صلح یا اصلاح یکی از مفاهیم ارزشی حوزه خانواده است. ریشه این واژه در دیگر حوزه‌های اخلاقی قرآن بسیار کاربرد دارد. اینها از ریشه صلاح هستند و در لغت به معنای سلم و سلامتی و ضد فساد آمده‌اند. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۵۱۶/۲) صلح به معنای مسالمت و سازش است. راغب آن را از بین بردن نفرت میان مردم معنی کرده است: «و الصُّلْحُ خَيْرٌ؛ سازش بهتر است» (نساء: ۱۲۸). در اقرب گوید: «آن اسم است از

مصالحه و به صورت مذکر و مؤنث به کار می‌رود». گویند: «وقع الصلح و وقعت الصلح؛ صلح، شایسته شدن، خوب شدن و آن ضد فساد است». «صلح الشیء صلاحاً: ضد فسد» (قرشی، ۱۴۱۲، ۱۴۲/۴).

۲-۲. صلح در اصطلاح

مراد از صلح در اصطلاح، انجام کاری است که یا افساد را برطرف کند و یا زمینه بروز آن را از بین ببرد. از نظر نوع موضوع فرق می‌کند مانند اصلاح نفس، اصلاح ذات‌البین و اصلاح ساختمان که به ترتیب به معنای پیرایش نفس از صفات زشت و آراستن آن به صفات نیکو، آشتی و پیوند میان متخاصمین و رفع کدورت از آنها و ترمیم خرابی‌های ساختمان است. (هاشمی، ۱۴۲۶، ۵۱۲/۱) این واژه در قرآن نیز در همین معانی در دو مفهوم عام و خاص آن استعمال شده است.

۳. انواع صلح

۱-۳. اصلاح پس از افساد

«فمن تاب من بعد ظلمه و اصلاح فإن الله يتوب عليه إن الله غفورٌ رحيم؛ پس هر که بعد از ستم‌کردنش توبه کند و به صلح آید، خدا توبه او را می‌پذیرد که خدا آمرزنده و مهربان است». (مائده: ۳۹)

۲-۳. اصلاح ذات‌البین

«إنما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم و اتقوا الله لعلکم تُرحمون؛ درحقیقت، مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید، امید که مورد رحمت قرار گیرید». (حجرات: ۱۰) آیه اصلاح، اساس ارتباطات و تقویت و تحکیم پیوندها و از بین بردن عوامل و اسباب تفرقه و نفاق را بیان می‌کند.

۳-۳. اصلاح بین زن و شوهر

«وإن امرأة خافت من بعلها نشوزاً أو أعرضا فلا جناح عليهما أن يصلحا بينهما صلحاً و الصلح خير؛ و اگر زنی از شوهر خود بیم ناسازگاری یا روی گردانی داشته باشد بر آنها گناهی نیست که از راه صلح با یکدیگر به آشتی گرایند که سازش بهتر است». (نساء: ۱۲۸) این واژه گاهی مفهوم عام دارد و اصلاح ابتدایی را

نیز شامل می شود مانند آیاتی که مطلق اصلاح را گوشزد می کنند: «فمن اتقى واصلح فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون؛ پس هرکه تقوا پیشه کرد و به کار شایسته شتافت هیچ ترس و اندوهی بر آنها نخواهد بود» (اعراف: ۳۵). مهمترین مواردی که به بحث تمکین مرتبط است اصلاح ذات البین و رعایت حقوق خانوادگی است. بدین معنا که بین زن و شوهر برای تأکید بر حفظ نهاد خانواده، تألیف قلوب شده (طریحی، ۱۴۱۶، ۳۸۷/۲) تا سازش برقرار شود و با انجام وظایف و رعایت حقوق زوجین نسبت به یکدیگر و تأمین نیازهای جنسی هم، صلح و صفا برقرار شود.

۴. فلسفه ازدواج از منظر اسلام

ازدواج نخستین سنگ بنای تشکیل خانواده، جامعه و اجتماع است و میزان اندیشه و تدبیر در آن در میزان پیشرفت یا انحطاط و صعود یا سقوط جامعه تأثیر دارد. ازدواج، آثار و نتایج بسیاری دارد از جمله: ارضای غریزه جنسی، تولید و بقای نسل، تکمیل و تکامل انسان، آرامش و سکون، پاک دامن و عفاف و... از نظر اسلام، ازدواج و تشکیل خانواده اهمیت خاصی دارد؛ زیرا ازسویی، ازدواج وسیله ای برای پاک دامن و مهار غریزه جنسی و آرامش و حرکت به سوی کمال دینی است و ازسوی دیگر، رهبانیت (ترک دنیا و لذت های آن) را مذمت می کند و آن را مانع کمال و سعادت می داند. از نظر اسلام، ازدواج امری پسندیده و انجام آن مستحب است، اما در صورتی که انسان بدانند اگر ازدواج نکند به گناه می افتد، ازدواج بر او واجب می شود. براساس نظر شرع مقدس اسلام، ارضای قوه شهوانی و مسئله جنسی تنها از راه مشروع آن یعنی، ازدواج است. البته در صدر اسلام علاوه بر راه ازدواج، راه مشروع ملک یمین (مالک کنیزان و اسیران جنگی شدن) برای ارتباط زناشویی وجود داشت که امروزه موضوع آن منتفی است.

قرآن کریم درباره ازدواج می فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْجِبُهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود، آنان را بی نیاز می سازد. خداوند گشایش دهنده و آگاه است». (نور: ۳۲) «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ و از

نشانه‌های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید تا با ایشان آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد. در این عبرت‌هایی است برای مردمی که تفکر می‌کنند» (روم: ۲۱).

پیامبر گرامی اسلامی ﷺ فرمود: «یا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنِ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصْرِ وَأَخْصَنُ لِلْفَرْجِ؛ جوان‌ها، هرکدام توانایی دارید همسر اختیار کنید؛ زیرا ازدواج، چشم را از نامحرم بهتر می‌پوشاند و پاک‌دامنی نیکوتری می‌بخشد». (نوری، ۱۴۰۸، ۱۴/۱۵۳) ازدواج از این نظر که عاملی برای نجات از آلودگی، موجبی برای نجات از تنهایی و سببی برای بقای نسل است خودداری از آن همیشه سبب ایجاد بی‌تعادلی، ناپهنجاری رفتاری و زمانی و سبب فساد شخصیت و حتی بیماری جسمی می‌شود. بنابراین، بهترین و بالاترین نعمت‌ها برای هر زن و مرد از نظر اسلام، تشکیل خانواده است. هیچ مذهبی به اندازه اسلام درباره ازدواج بحث نکرده است. ازدواج از نظر اسلام امری مستحب، مورد تأکید و از سنن انبیا ﷺ معرفی شده و جوانی که بدان تن دهد در حقیقت همگام با آفرینش و سعادت‌مند است. هدف از ازدواج هم برای مرد و هم برای زن، پاسخ مثبت دادن به سنت الهی، تولید نسل و رفع نیازهای جنسی است. بنابراین، هر دو در این زمینه بر یک عقیده هستند. فلسفه ازدواج براساس این دو مبنا، ملاک دین و شریعت است.

ازدواج هرچند از یک نظر مسئله‌ای شخصی و خصوصی است، ولی از نگاهی دیگر جنبه و اهمیتی اجتماعی دارد. براین اساس، ازدواج از ارکان مدنیت و راهی مطمئن برای تأمین آسایش و آرامش جامعه و رفاه بشریت است. سود و زیان ازدواج تنها متوجه زوجین نیست بلکه افراد اجتماع نیز به‌گونه‌ای از آن برخوردار می‌شوند. بی‌تردید ازدواج رابطه‌ای است که طرفین را تاحد زیادی از بی‌بندوباری و روابط نامشروع و انحراف‌های اخلاقی و جنسی مصون می‌دارد. این موضوع به تناسب حال طرفین و محیط اجتماعی متفاوت است. همچنین سایر جنبه‌های شخصی و اجتماعی نیز در این زمینه مؤثر است که گاهی این عمل سبب مصونیت انسان از نیمی از گناهان و معاصی و بزهکاری و فساد جامعه است. در بعضی از روایات، ازدواج وسیله حفظ نیمی از دین و در برخی روایات، وسیله حفظ دو سوم دین بیان شده است. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۰/۱۷) از نظر اسلام تشکیل خانواده محبوب است تا آنجا که هیچ سازمان و بنایی نزد خدا محبوب‌تر از آن نیست. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «مَا بَيْنِي فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ

اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَأَعَزُّ مَنْ التَّزْوِيجِ؛ نزد خداوند هیچ بنایی محبوب‌تر از خانه‌ای نیست که از طریق ازدواج آباد گردد» (مجلسی، ۱۴۱۰، ۲۲۲/۱۰۰، نوری، ۱۴۰۸، ۱۴/۱۵۳).

ازدواج از نظر اسلام و سیله‌ای برای پاک‌دامنی و پاک‌دامن زیستن است. رسول خدا ﷺ به زیدبن حارثه فرمود: «ازدواج کن تا پاک‌دامن باشی» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳۵/۲۰). ایشان در جای دیگر فرمود: «زوجوا آیامکم فَإِنَّ اللَّهَ يَحْسِنُ لَهُمْ فِي أَخْلَاقِهِمْ وَيُوسِّعُ لَهُمْ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَيَزِيدُهُمْ فِي مُرْوَائِهِمْ؛ مردان را زن دهید تا خدا اخلاقشان را نیکو، ارزاقشان را وسیع و جوانمردیشان را زیاد گرداند» (مجلسی، ۱۴۱۰، ۲۲۲/۱۰۰). در روایت دیگری به زنی که گفته بود دیگر ازدواج نمی‌کند، فرمود: «ازدواج برای حفظ عفاف لازم است» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۶۶/۲۰). ازدواج بنایی مقدس و تجرد، امری پلید است. این برخلاف نظر کسانی است که رهبانیت را پذیرفته‌اند و سعی دارند به آن جنبه‌ای مقدس دهند. پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ كَانَ يَحِبُّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي - فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّزْوِيجِ؛ آن کس که آیین و مذهب همگام با فطرت مرا دوست دارد باید نسبت به سنت من پایبند باشد. یکی از سنت‌های من ازدواج است» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۵/۲۰).

در اسلام، سرباززدن از ازدواج، مساوی با تخلف از سنت پیامبر ﷺ و حتی از موازین اسلامی است. پیامبر ﷺ فرمود: «هرکس زمینه و امکانی برای ازدواج داشته باشد و درعین حال از آن سرباززند از ما نیست». اسلام برخلاف رهبانان و تارکان دنیا مجردماندن را نه تنها فضیلت نمی‌داند بلکه آن را محکوم کرده و از آن نهی فرموده است. امام رضا علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «عَنِ الرَّضَاعِ قَالَ: إِنَّ أُمَّرَأَةً سَأَلَتْ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام فَقَالَتْ أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِلَيَّ مُتَبَيِّلَةً فَقَالَ لَهَا وَمَا التَّبَيُّلُ عِنْدَكَ قَالَتْ لَا أُرِيدُ التَّزْوِيجَ أَبَدًا قَالَ وَلِمَ قَالَتْ أَلْتَمِسُ فِي ذَلِكَ الْفَضْلَ فَقَالَ أَنْصِرْفِي فَلَوْ كَانَ فِي ذَلِكَ فَضْلٌ لَكَانَتْ فَاطِمَةَ علیها السلام أَحَقَّ بِهِ مِنْكَ إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ يَسْبِقُهَا إِلَيَّ الْفَضْلُ؛ زنی به حضور امام باقر علیه السلام رسید و گفت: من قصد ندارم شوهر کنم تا مرا نزد خدا فضلی باشد و اجر و ثوابی به من تعلق گیرد. امام باقر علیه السلام فرمود: این سخن را رها کن؛ اگر تنها زیستن فضیلتی بود فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله بر این فضل سزاوارتر بود» (طوسی، ۱۴۱۴، ۳۷۰؛ مجلسی، ۱۴۱۰، ۲۱۹/۱۰۰).

بزرگان اسلام، عزب ماندن را در صورت فراهم بودن وسایل ازدواج، ناروا و حرام و زناشویی را محبوب و مقدس می‌دانند. اسلام نیز تجرد را زشت می‌شمارد. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «شِرَارُكُمْ عَزَابُكُمْ وَ الْعَزَابُ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ؛ بدترین شما کسانی هستند که در حال عزوبتند و اعزب‌ها برادران شیطان هستند» (مجلسی، ۱۴۱۰، ۲۲۱/۱۰۰؛ شعیری، بی‌تا، ۱۰۴). احادیث بسیاری از عزوبت نهی می‌کنند مانند روایات ذیل از پیامبر اسلام ﷺ:

- «شِرَارُ أُمَّتِي عَزَابُهَا؛ بدترین افراد امت من عزب‌ها هستند» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۵۵/۱۴)؛

- «تَزْوِجٌ وَإِلَّا فَأَنْتَ مِنَ الْمُذْنِبِينَ؛ ازدواج کن وگرنه از گنه‌کاران محسوب خواهی شد» (مجلسی، ۱۴۱۰، ۲۲۱/۱۰۰؛ شعیری، بی‌تا، ۱۰۴)؛

- «تَزْوِجٌ وَإِلَّا فَأَنْتَ مِنْ إِخْوَانِ الشَّيَاطِينِ؛ ازدواج کن وگرنه از برادران شیطان خواهی بود» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۵۵/۱۴)؛

- «أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ الْعَزَابُ؛ بیش‌تر دوزخیان، عزب‌ها هستند» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۰/۲۰)؛

- «تَزْوِجٌ وَإِلَّا فَأَنْتَ مِنْ زُهَبَانِ النَّصَارَى؛ ازدواج کن وگرنه از راهبان نصارا خواهی بود» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۵۵/۱۴)؛

- «رَكَعَتَانِ يَصَلِيَهُمَا الْمُتَزَوِّجُ - أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً يَصَلِيهَا غَيْرُ مُتَزَوِّجٍ؛ دو رکعت نماز زن‌دار، بهتر از هفتاد رکعت نمازی است که عزب می‌خواند» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۵/۲۰؛ قمی (شیخ صدوق)، ۱۴۰۶، ص ۴۰).
خودداری از ازدواج عوارضی دارد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

- خودداری از ازدواج زمینه را برای روابط جنسی نامشروع و غیرقانونی فراهم می‌کند که موجب فساد و تباهی جامعه و عدم صلح و آرامش در خانواده و افزایش خشونت در جامعه می‌شود؛

- خودداری از ازدواج موجب ازدست‌دادن گرمی و نشاط زندگی است. هرکس در دوران جوانی به ازدواج تن ندهد در دوران پیری با رنج تنهایی مواجه خواهد شد؛

- خودداری از ازدواج موجب توسعه و گسترش فساد می‌شود. افراد به سوی فساد اخلاقی سوق پیدا می‌کنند و درهای حیات آنان به دروغ، فحشا و بی‌بندوباری گشوده می‌شود. وجود گزینه در انسان،

خود دلیلی بر ضرورت ازدواج و خودداری از آن، استقبال از خطرات خودآفرین و زمینه‌ای برای هجوم غم‌ها و نابسامانی‌هاست.

۵. مفهوم تمکین

تمکین به معنای سلطه و اختیاردادن به دیگری است. این عنوان در باب نکاح و در باب‌های طهارت، صلوات و تجارت نیز مطرح شده است. (شاهرودی، ۱۴۲۶، ۶۳۳/۲)

۱-۵. تمکین زوجه

مراد از تمکین زوجه این است که زن برای استمتاع، خود را در اختیار شوهر قرار دهد حتی اگر سوار بر شتر باشد و استمتاع شوهر از خود را جز در موارد وجود مانع عقلی یا شرعی، محدود به زمان یا مکان و یا کیفیت خاصی نکند: «يجب على الزوجة التمکين من الاستمتاع مع عدم المانع عقلاً أو شرعاً ولو كانت على ظهر قتب» (نجفی، ۱۴۰۴، ۱۴۷/۳۱). صاحب شرایع الاسلام در این رابطه می‌فرماید: «التمکين الكامل وهو التخليه بينها وبينه بحيث لا تخص موضعاً؛ تمکين، برداشت موانع بین زن و شوهر است (برای برقراری ارتباط) به نحوی که از جهت زمان و مکان محدودیتی وجود نداشته باشد» (محقق حلی، ۱۴۰۳، ۳۴۷/۲). یکی از فقهای معاصر در تعریف تمکین می‌نویسد: «فان التمکين عبارة عن حالة الحضور في مقام ارادة الزوج للاستمتاع؛ حالت آمادگی (زن) برای استمتاع در صورت تقاضای شوهر است» (اراکي، ۱۳۷۷، ص ۷۴۲).

عدم محدودیت زمانی شامل عذرهای شرعی و ضرورت‌های عرفی نخواهد شد. از نظر حقوق‌دان‌ها تمکین به دو معنای عام و خاص به کار رفته است. تمکین خاص، ایجاد شرایطی برای رفع نیازهای جنسی در هر موقعیت ممکن و متعارف است. معنای عام تمکین، همان پذیرش مسئولیت شوهر در اداره نهاد خانواده است، خواه به‌عنوان ریاست خانواده یا به‌عنوان مسئول و سرپرست خانه برحسب اختلاف مبانی که در باب قیمومت شوهر بر زن وجود دارد. تمکین خاص، معنای مبهم و پیچیده‌ای ندارد و در تعریف آن اختلاف ندارند. تمکین عام، همان قبول ریاست شوهر بر خانواده و محترم شمردن

اراده وی در اداره خانواده است، ولی تمکین خاص، ناظر به رابطه جنسی زن با شوهر و پاسخ دادن به خواسته‌های مشروع وی در این زمینه است. (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۲۲۸/۱)

۲-۵. تمکین از نظر فقهی

شارع مقدس بر عقد نکاح صحیح، آثار و حقوقی برای زوجین وضع کرده و دستوراتی صادر می‌کند و در هر موردی که حقی برای کسی قائل شده است تکلیفی بر او نسبت به دیگری یا دیگران ایجاد کرده است. از این رو حقوقی خاص زوج و حقوقی خاص زوجه و حقوقی هم مشترک بین دو قرار داده که به تبع آن، تکالیف و وظایفی را متوجه هر یک می‌کند. براساس کتب فقهی، اصلی‌ترین انگیزه تشکیل خانواده و ازدواج، تأمین نیازهای جنسی همسران است. ارضای صحیح غریزه جنسی از مسائل پیچیده و مهم است که نباید از کنار آن بی‌تفاوت گذشت؛ زیرا در استحکام یا تزلزل خانواده‌ها و ایجاد صلح و آرامش و امنیت یا سلب آن، نقش اساسی را برعهده دارد. دین اسلام در بیان این مسئله و چگونگی روابط جنسی همسران و محدوده‌های آن و نحوه برخورد همسران در خانواده با یکدیگر اهمیت ویژه‌ای قائل شده است.

آثار و نتایج ازدواج و روابط جنسی زن و شوهر و یا همان تمکین، بسیار زیاد و قابل توجه است. ازجمله اینکه سبب انس، محبت، اتحاد، همدلی، آرامش و سکون طرفین در زندگی زناشویی می‌شود. باتوجه به معنای اصطلاحی، تمکین زن در برابر نیازهای جنسی مرد در مواقعی که مانع مشروعی وجود نداشته باشد از وظایف وی و حقوق شوهر محسوب می‌شود و عدم پاسخ‌گویی صحیح به این نیاز طبیعی می‌تواند آثار مخربی در پی داشته باشد. بدین جهت در روایات توصیه‌های فراوانی نسبت به زن بیان شده و اجر و ثواب زیادی وعده داده شده است. اگر زن در این وظیفه کوتاهی کند از مصادیق نشوز محسوب می‌شود. این مسئله را فقها در باب نشوز زن مطرح کرده‌اند البته در فقه، این بحث مطرح است که آیا نفقه زوجه به صرف عقد دائم بر زوج واجب می‌شود یا منوط به تمکین وی پس از عقد است. مشهور، قول دوم است. (بحرانی، ۱۴۰۹، ۹۹/۲۵) برخی قول اول را برگزیده و افزوده‌اند تنها با ظهور نشوز، نفقه از عهده شوهر ساقط می‌شود. بنابراین، در فرض عدم تحقق نشوز با عدم تمکین،

تأمین نفقه بر شوهر واجب خواهد بود هرچند به عللی مانند درخواست نکردن شوهر، تمکین حاصل نشده باشد (بحرانی، ۱۴۰۹، ۹۸/۲۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۳۰۳/۳۱؛ روحانی، ۱۴۱۲، ۳۲۴/۲۲).

زن پس از عقد و پیش از دریافت مهر می‌تواند از تمکین خودداری کند به شرط آنکه مهرش نقد و امتناع، قبل از آمیزش باشد. (نجفی، ۱۴۰۴، ۴۱/۳۱) برخی توانایی شوهر در پرداخت مهر را نیز بر شرایط یادشده افزوده و گفته‌اند: «اگر شوهر، قدرت پرداخت مهر را نداشته باشد زن حق امتناع از تمکین ندارد» (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ۵۹۱/۲). بر اصل حکم، ادعای اجماع شده است، ولی برخی آن را نپذیرفته و گفته‌اند: «هریک از زن و شوهر مکلف به وظیفه خویش است؛ زن به تمکین و مرد به پرداخت مهر و هیچ کدام بر دیگری توقف ندارد و هرکدام به وظیفه خود عمل نکند مرتکب معصیت شده است» (بحرانی، ۱۴۰۹، ۴۶۰/۲۵).

۶. تمکین و استحکام روابط خانوادگی

هدف و غایت اصلی ازدواج، تشکیل نهادی به نام خانواده یعنی، نخستین و بنیادی‌ترین نهاد در جامعه است. صلاح و فلاح جامعه وابسته به سلامت این نهاد است و هر آنچه در تحکیم پیوند این نهاد و ایجاد صمیمیت زوجین مؤثر است باید در تقویت آن حداکثر کوشش به عمل آید و بالعکس هر آنچه که موجب سستی و ازهم‌گسیختگی این کانون مقدس شود باید با آن مبارزه کرد. اختصاص استمتاع و التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی و در کادر مشروع ازدواج، پیوند زن و شوهر را محکم می‌کند و موجب اتصال بیشتر زوجین به یکدیگر می‌شود. فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع از نظر خانوادگی این است که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی، عامل خوشبخت کردن وی به شمار می‌رود در حالی که در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی، رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می‌رود. در نتیجه کانون خانوادگی براساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود. (مطهری، ۱۳۷۹، ۴۳۷/۱۹)

قرآن کریم باتوجه به نقش تمکین در حفظ و حراست اعضای خانواده می‌فرماید: «هن لباس لکم و انتم لباس لهن» (بقره: ۱۸۷) این دو جمله از قبیل استعاره است چون هر یک از زن و شوهر، طرف دیگر

خود را از رفتن به دنیای فسق و فجور و اشاعه آن در بین افراد نوع بشر منع می‌کند، پس مرد، لباس و ساترن زن است و زن ساتر مرد است (طباطبایی، ۱۳۵۳، ۶۴/۲). آمیزش و رابطه زن و مرد، محافظ زوجین است. صاحب تفسیر می‌فرماید: «پرتویی از قرآن، وقار است و پرده‌ای که از آمیزش مشروع مرد و زن بر چهره ظاهر و درونی انگیزه‌های حیوانی و طغیان شهوت کشیده می‌شود حافظ رسوایی، پرده‌برداری و سبک سری است» (طالقانی، ۱۳۵۸، ۷۲/۲). به نظر می‌رسد در روابط زن و مرد به جای اینکه به قوانین و وظایف واجب هریک از زن و مرد توجه شود باید به فرهنگ‌سازی احکام اسلامی که از طریق وضع احکام مستحبی بیان شده است، توجه کرد.

سفارش‌های اسلام به مسائل کوچک آمیزشی و ظرافت‌های این امر باتوجه به حالت‌های روحی و روانی هریک از زوجین به طرف مقابل است تا کمبود و نقصانی در این خصوص باقی نماند که موجب انتقال آن به خارج از کادر ازدواج و خانواده شود و پایه‌های نهاد خانواده و به تبع آن جامعه دچار تزلزل و بی‌بندباری شود؛ زیرا عدم پاسخ‌گویی مناسب به این نیاز در روابط زن و شوهر و سرایت آن به محیط خارج و پیدایش سیستم روابط آزاد تا مرحله‌ای است که ممکن است حتی مانع از تشکیل نهاد مهم خانواده شود. بنابراین، همان‌طور که حفظ نظام سیاسی و اقتصادی نیازمند انضباط سیاسی و اجتماعی است و فقدان آن هرج و مرج سیاسی و اقتصادی را به دنبال خواهد داشت نظام خانواده و مسائل غریزی و جنسی نیز به انضباط نیازمند است و فقدان انضباط جنسی موجب خودسری، هرج و مرج و بی‌بندوباری و سلب آسایش و صلح در جامعه می‌شود. استاد مطهری می‌فرماید: «اخلاق سیاسی به غریزه قدرت و برتری طلبی مربوط است و اخلاق اقتصادی به حس افزون‌طلبی؛ همچنان‌که اخلاق جنسی مربوط به غریزه جنسی است. از نظر لزوم آزادی از یک طرف و لزوم انضباط شدید از طرف دیگر هیچ تفاوتی میان این سه بخش اخلاق نیست. معلوم نیست چرا طرفداران اخلاق نوین جنسی، گشاده‌دستی‌ها را تنها درباره اخلاق جنسی جایز می‌شمارند» (مطهری، ۱۳۷۹، ۱۹/۶۶۱).

هرچند در قانون مدنی هیچ اشاره‌ای به تکلیف وفاداری زن و شوهر نسبت به یکدیگر و لزوم انضباط اخلاق جنسی نشده است، اما باید سکوت قانون‌گذار را به دلیل بدیهی بودن این امر دانست؛ زیرا در فرهنگ جامعه اسلامی رابطه آزاد بین زن و مرد در هر حال ممنوع و خلاف شرع است به‌ویژه گناه

کسی که همسر دارد و به خانواده پایبند نباشد از نظر اخلاق مذهبی قباحت بیشتری دارد. لطمه‌ای که در اثر رابطه نامشروع زن یا شوهر با دیگری بر اساس خانواده وارد می‌شود از نظر حقوقی نیز بی‌مکافات نیست. برای عدم وفاداری زوجین نسبت به یکدیگر در حقوق کشورهای اروپایی مثل فرانسه نیز مجازات تعیین شده است. (عدم وفاداری مرد در حقوق فرانسه مخصوص مواردی است که مرد با زنی رابطه مستمر در اقامتگاه زوجین برقرار کند؛ یعنی زنی را به عنوان همخوابه در منزل خود نگه دارد) البته در حقوق این کشور، مجازات زن و مرد از این جهت با هم برابر نیست. زنی که به شوهر خود خیانت کند در همه حال مجرم است و به زندان محکوم می‌شود، ولی مجازات مرد هیچ‌گاه از غرامت تجاوز نمی‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۲۲۲/۱)

در حقوق ایران از این نظر تفاوتی بین زن و مرد نیست. در قانون مجازات اسلامی، کیفر زن شوهردار که با مرد دیگری رابطه نامشروع دارد (زنا محصنه) یا مرد زن دار که با زن دیگر رابطه نامشروع برقرار کند (زنا محصنه) ممکن است تا اعدام در صورت وجود شرایطی محکوم شود. از جهت حقوقی نیز ممکن است به عنوان سوء رفتار یا ارتکاب جرمی که با حیثیت خانوادگی تعارض دارد مستند درخواست طلاق قرار گیرد. (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۲۲۱/۱) اسلام بر انضباط اخلاق جنسی در محدوده ازدواج و منع شدید از هرگونه ارتباط خارج از این چارچوب تأکید فراوانی دارد تا حدی که ازدواج را احراز نیمی از دین معرفی می‌کند: «من تزوج فقد احرز نصف دینه»؛ برعکس آنچه در مسیحیت به نام رهبانیت و دوری از ازدواج تأکید می‌شود (کلینی، ۱۳۸۸، ۳۲۹/۵).

اسلام، خوب شوهرداری کردن را جهاد زن معرفی می‌کند. (کلینی، ۱۳۸۸، ۹/۵) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عثمان بن مظعون را به دلیل بی‌اعتنایی به همسرش مورد عتاب قرار می‌دهد. مهمتر از اینها باید به فرهنگ سازی اسلام در مورد سفارش به هریک از زن و شوهر و مستحباتی که برای آمادگی هریک برای ایجاد ارتباط جنسی وضع کرده است، توجه کرد. این نشان دهنده اهمیت اسلام به نقش تمکین در استحکام نهاد خانواده است. علامه طباطبایی می‌فرماید: «قوانین فقهی وقتی توأم با احکام اخلاقی

گردد (مثلاً قوانینی که اسلام در باب زناشویی ارائه کرده) آن وقت قانون بسیار گوارا و قابل عمل می شود»
(طباطبایی، ۱۳۵۳، ۴/۳۵۳).

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى. قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه.
۲. ابن براج طرابلسی، عبدالعزيز (۱۴۰۶). المهذب. قم: مؤسسه النشر الاسلامي.
۳. ابن منظور، جمال الدين محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، دار صادر.
۴. اراکی، محمد علی (۱۳۷۷). کتاب النکاح. قم: نورنگار.
۵. بحرانی، یوسف (۱۴۰۹). الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره. قم: مؤسسه نشر اسلامي.
۶. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشيعه. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۷. حلی (محقق حلی)، جعفر بن حسن (۱۴۰۳). شرايع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام. بيروت: دارالاضواء.
۸. روحانی حسینی، صادق (۱۴۱۲). فقه الصادق عليه السلام (للروحانی). قم: دارالکتاب مدرسه امام صادق عليه السلام.
۹. شعیری، محمد (بی تا). جامع الأخبار. نجف: مطبعه حیدریه.
۱۰. طالقانی، محمود (۱۳۵۸). تفسیر پرتویی از قرآن. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۱. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۳). تفسیر المیزان. مترجم: همدانی، سید محمد باقر. قم: دفتر تبلیغات اسلامي.
۱۲. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶). مجمع البحرين. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). الأمالی (للشیخ الطوسی). قم: دارالثقافه.
۱۴. قرشی، علی اکبر (۱۴۱۲). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلاميه.
۱۵. قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۶). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. قم: دارالشریف الرضی للنشر.
۱۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). حقوق مدنی خانواده. تهران: بهمن پرنه.
۱۷. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). الاصول من الکافی. تهران: دارالکتاب الاسلاميه.
۱۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۱۰). بحار الأنوار. بيروت: مؤسسه الطبع والنشر.
۱۹. محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بيروت: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
۲۱. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بيروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۲. هاشمی، محمود (۱۴۲۶). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت عليه السلام. قم: مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامي بر مذهب اهل بیت عليه السلام.

